



دانشگاه پیام نور - مرکز تهران جنوب

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته: تاریخ ایران دوره اسلامی

گروه: تاریخ

عنوان پایان نامه :

تصحیح نسخه خطی تاریخ صاحبقرانی

رضا ثمری حاجی آقا

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا نصیری

استاد مشاور:

دکتر هوشنگ خسروبیگی

شهریور ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به پدر و مادر عزیزم
همسر بزرگوارم
و
فرزندان نازنینم مهدی و مه‌دا

چکیده:

تاریخ دوره قاجاریه، یکی از دوره های مهم تاریخ ایران، چه از نظر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و چه از نظر طول دوره محسوب می شود. در این دوره ما شاهد نگارش بسیاری از آثار تاریخی و تاریخ نگاری هستیم که بخشی از این آثار به چاپ رسیده است. با این حال بخش زیادی از این آثار به صورت نسخ خطی در کتابخانه های داخل و خارج کشور باقی مانده است که ضرورت دارد به منظور شناسایی این دوره تاریخی و پژوهش در ابعاد مختلف آن، تصحیح و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند. یکی از این آثار، تاریخ صاحبقرانی، اثر محمود میرزا قاجار است که بخشی از تاریخ ایران در دوره قاجاریه از ابتدای این سلسله تا آغاز سال ۱۲۴۹ق را در دو جلد دربرمی گیرد. وابستگی مؤلف اثر به خاندان قاجاریه و حضور او در دربار، موجب شده که داده های این اثر از اهمیت زیادی برای تاریخ قاجاریه بخصوص اوایل این دوره برخوردار باشد.

هدف این پژوهش بررسی و تصحیح انتقادی نسخه خطی تاریخ صاحبقرانی است. در تصحیح این نسخه خطی، ضمن بازخوانی متن، گزارش های تاریخی داده شده در نسخه، با منابع دیگر و معاصر با رویدادها، بررسی و مطالعه تطبیقی شده است. همچنین ضمن ارائه توضیحات تکمیلی و تعلیقات در تکمیل گزارش های تاریخی، اقدام شده است تا بدین وسیله حتی الامکان اثری کامل و جامع در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

کلیدواژه ها:

تاریخ صاحبقرانی، قاجار، فتحعلی شاه، عباس میرزا نایب السلطنه، محمود میرزا قاجار.

با سپاس فراوان از استاد بسیار ارجمندم جناب آقای دکتر نصیری و جناب آقای دکتر خسرویگی که
با حوصله و صبوری ستودنی، مرا یاری رساندند.

فهرست مطالب

فصل اول : ادبیات تحقیق

صفحه

۱:	طرح مسأله	۲
۱-۱:	پیشینه و ضرورت پژوهش.....	۲
۱- ۲	عرفی و نقد منابع و مآخذ.....	۲

فصل دوم : بستر تاریخ

۲:	اوضاع سیاسی ایران در اوایل دوره قاجاریه	۱۰
۱-۲:	زندگینامه محمود میرزای قاجار	۵۱
۲-۲:	نسخه شناسی کتاب تاریخ صاحبقرانی	۵۶

فصل سوم : متن نسخه

تاریخ صاحبقرانی	۶۰
ذکر نسب ایل جلیل قاجار، آغاز داستان در انساب و انتساب طایفه ستوده قاجار	۶۱
وقایع احوالات نواب فتحعلی خان و محمد حسن خان، حسین قلی خان و شاه جنت مکان محمد شاه محمد شاه انارالله برهانه.....	۶۱
وقایع نواب فتحعلی خان	۶۲
عزیمت نواب مستطاب فتحعلی خان به اعانت شاه سلطان حسین صفوی	۶۲
در بیان احوال نواب خسرو منزلت، محمدحسن خان قاجار	۶۳
بیان طغیان اهل مازندران	۶۴

- تذکار در آمدن شاه پسند خان افغان به استرآباد ۶۵
- محرابه نوآب سلطانی محمدحسن خان قاجار با آزادخان افغان ۶۵
- بیان کشته شدن نوآب محمدحسن خان قاجار ۶۶
- در تفصیلات احوالات بندگان جهان پناه نوآب مستطاب حسین قلی خان، والد بزرگوار شهنشاہ روزگار
وشهریار جهان مدار حضرت صاحبقران روحی فداه ۶۷
- تفصیل احوال محمد خان دادو و گرفتاری آن ۶۸
- در ذکر محاربه مخالفین با قاجاریه و شهادت ایشان ۶۹
- تفصیلات کلیات امورات پادشاه و ذیجاء محمدشاه قاجار، نورالله مرقدہ به فرمایش صاحبقران به
صاحبقران به نگارش بنده محمود ۷۲
- وقایع هزار و صد [و] نود و سه، مجادله پادشاهی با مرتضی قلی خان و مصطفی قلی خان ۷۲
- ذکر وقایع هزار و صد و نود و چهار ۷۴
- بیان وقایع سال یک هزار [و] صد و نود و پنج ۷۴
- در وقایع سال هزار و یک صد و نود و شش ۷۵
- تفصیل احوال مجادله حضرت صاحبقرانی با قادرخان عرب ۷۶
- ذکر وقایع امیرگونه خان افشار ۷۷
- وقایع عزیمت سمنان و دامغان و بسطام ۷۷
- بیان واقع در وقایع سال هزار و صد و نود و هفت ۷۸
- در ذکر گرفتاری کرفس خان اروس ۷۸
- در بیان سور با سرور و عیش سراسر حبور بندگان ظلّ اللہی ۷۹
- تذکار در اظهار وقایعات سال هزار و صد و نود و هشت ۷۹
- ترسیل و تفصیل احوالات واقع سال هزار و صد و نود و نه ۸۰
- توضیح احوالات سال هزار و دویست ۸۲
- ذکر طغیان جعفرخان زند و وقایع هزار و دویست و یک ۸۴
- وقایع سال یک هزار و دویست و دو ۸۶
- در بیان رفتن جعفرخان زند به یزد و محاربه جعفرخان با امیرمحمدخان ۸۶
- تیین مقال در احوالات سال هزار و دویست و سه ۸۷
- بیان حادثات سال یک هزار و دویست و چهار ۸۹
- امورات اتّفاقیه سال هزار و دویست و پنج و عزیمت به آذربایجان ۹۰

- ۹۳..... بیان وقایع سال هزار و دویست و شش و عزیمت شیراز از طهران
- ۹۴..... توضیح فرار لطفعلی خان و شکست ثانی آن
- ۹۵..... در توضیح احوالات سال هزار و دویست و هفت
- ۹۷..... در بیان سفر کربلای مهدعلیا
- ۹۷..... در بیان توجه شاهی به قتل ترکمان
- ۹۹..... در بیان وقایع سال هزار و دویست و هشت، تسخیر کرمان و گرفتاری لطفعلی خان زند
- ۱۰۲..... در تفصیل واردات سفر سرکار جهانبانی
- ۱۰۳..... در ذکر وقایع سال هزار و دویست و نه واردات سفر آذربایجان
- ۱۰۶..... بیان تصرف قلعه و ولایت تفلیس
- ۱۰۷..... توضیح قتل مصطفی خان قاجار
- ۱۰۸..... بیان وقوع سال هزار و دویست و ده، عزیمت سفر خراسان
- ۱۱۱..... وقایع سال خجسته فال یک هزار و دویست و یازده
- انتباه پادشاه جمجاه و نظر نمودن در عواقب امور و ولیعهد کردن اعلیحضرت جهانبانی را به الهام ربّانی
- ۱۱۴.....
- واقعات عزم سلطان جهانگشا به جانب آذربایجان
- ۱۱۸.....
- بیان تفأل حضرت جهانبانی از دیوان خواجه حافظ در روز حرکت از مملکت فارس در مقبره لسان الغیب
- ۱۲۸.....
- عزیمت بندگان سکندرشان شهنشاهی به جانب دارالخلافه طهران از مملکت فارس
- ۱۳۰.....
- وقایع جسارت های صادق خان شقاقی و کیفر او به مدد بخت جوان و نیروی تیغ برآن
- ۱۳۳.....
- تفصیل حرمت به نعش شاه
- ۱۳۸.....
- گفتار در جلوس میمنت مأنوس شهریار جهان دارد، در سال نیکوفال هزار و دویست و دوازده
- ۱۴۰.....
- ایراد فتنه محمدخان زند
- ۱۴۲.....
- وقایع میمنت لزوم سال هزار و دویست و سیزده که سال دویم جلوس پادشاهی می باشد
- ۱۴۳.....
- وقایع سال یک هزار و دویست و چهارده که سال سیم جلوس است، معروض رأی آرا می دارد
- ۱۴۷.....
- تفصیل احوال عروسی حسین علی میرزا
- ۱۵۱.....
- ذکر ورود ایلچی از فرمانفرمای هندوستان
- ۱۵۱.....
- تفصیل ولایات فارس و مازندران [به] ملکزادگان مکرم، حسین علی میرزا و محمدقلی میرزا
- ۱۵۱.....

- وقایع و اوضاع اتفاقی سال هزار و دویست و پانزده ۱۵۲
- فرستادن جرنال ملکم بهادر را فرمانفرمای هندوستان ۱۵۲
- تفصیل مجملی از طایفه و قانون اروس و تسطیر شرح احوالات و قانون آنها ۱۵۳
- ذکر روانه نمودن نایب السلطنه به آذربایجان و حرکت موکب پادشاهی به خراسان ۱۵۴
- وقایع سال پنجم سلطنت پادشاه مهر و ماه که سنه هزار و دویست و شانزده بود و گرفتاری حاجی ابراهیم خان شیرازی از واردات ماضی ۱۵۶
- تفصیل گرفتاری حاجی ابراهیم خان ۱۵۶
- آمدن آلهیارخان سبزواری به دربار سپهرمدار ۱۵۹
- بیان اعتقادات عبدالعزیز و کیفیات احوالات آن ۱۵۹
- وقایع سال هزار و دویست و هفده ۱۶۱
- بیان عروسی حضرت دارا درایت نواب مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا ۱۶۲
- تممه احوال قیصر میرزا ۱۶۲
- اتفاقات خیریت علامات سال نیکو فال هزار و دویست و هیجده و تنبیه طایفه گوگلان در کنار رود گرگان ۱۶۲
- بیان مقال در گرفتاری نادر میرزا و تسخیر قلعه مشهد است ۱۶۳
- در وقایع سال هزار و دویست و نوزده ۱۶۳
- تذکار اطاعت محمدخان قاجار ۱۶۵
- اظهار آمدن ایشپخدر به دور قلعه ایروان و محاربه با آن تا صبحگاهی ۱۶۵
- شبیخون آوردن روسی به اردوی اعلی جنود ۱۶۶
- خبر وفات حاجی خلیل خان در بنبائی و آمدن مسترمنستی و تعیین محمدنبی خان به سفارت هندوستان و مراجعت او به دربار جهانبان ۱۶۷
- بیان آمدن فرستادگان ناصرالدین توره ۱۶۸
- واقعات خبر سال نیکو حال هزار و دویست و بیست ۱۶۹
- بیان سفر حضرت نایب السلطنه به آذربایجان ۱۶۹
- بیان مخالفت ابراهیم خلیل خان جوانشیرجهت اعتماد ایل فراباغ و قلعه شیشه ۱۷۱
- بیان نیکو در سال یک هزار و دویست و بیست و یک ذکر دعوای نایب السلطنه با بولکونک، سردار روس ۱۷۲
- کشته شدن ایشپخدر ۱۷۴

- وقایع سال یک هزار و دویست و بیست و دو و تفصیل حال علی پاشا ۱۷۵
- وقایع قتل ابراهیم خلیل خان ۱۷۷
- آمدن ایلچی از دولت فرانسه ۱۷۸
- بیان شکست اروس از طایفه رومی ۱۸۰
- حرکت محمودلی میرزا به جانب هرات و محاربه او با بزرگان افغان ۱۸۰
- سبب قتل علی پاشای بغداد ۱۸۱
- آمدن میرزا رضای قزوینی ۱۸۱
- وقایع سال خجسته وصال هزار و دویست و بیست و سه و شکستن عهد روسی صلح را ۱۸۲
- بیان ورود سر هر فردمستر جنس برون ۱۸۲
- بیان تحویل سال هزار و دویست و بیست و چهار و ترسیل احوالات و وقایع آن سال ۱۸۳
- روانه نمودن نوآب محمدعلی میرزا به مقابله روس ۱۸۴
- بیان دعوی وهابی بستک و جهانگیریه ۱۸۴
- وقایع سال هزار و دویست و بیست و پنج، ذکر کشته شدن سلیمان پاشا ۱۸۵
- بیان ورود یاسین زاده عبدالوهاب افندی و شاکر افندی و حیرت افندی از درگاه قیصری ۱۸۶
- بیان توجه اعلیحضرت شاهنشاهی به جانب چمن سلطانیه ۱۸۷
- اظهار واردات سال هزار و دویست و بیست و شش ۱۸۷
- کیفیت کارزار عبدالرحمن پاشای بابان ۱۸۷
- آمدن سرگوراوزلی ایلچی و تفصیل آن ۱۸۸
- بیان جنگ نایب السلطنه در سلطان بد ۱۸۸
- در تفصیل واردات سال نیکو فال هزار و دویست و بیست و هفت ۱۸۹
- مأمور شدن سرداران روس متوقف به سرحدات ایران ۱۸۹
- بیان کار عبدالله پاشا و عبدالرحمن پاشای بابان ۱۹۰
- بیان لشکرکشی نوآب محمدعلی میرزا به بغداد ۱۹۰
- ذکر اصلاندوز ۱۹۱
- در تصدیق و تحقیق ایام خجسته فرجام سال هزار و دویست و بیست و هشت ۱۹۲
- بیان احوال خواجه کاشغر ۱۹۲
- بیان آمدن رجب آقای بغدادی ۱۹۳
- بیان حرکت پادشاهی به سمت اوچان آذربایجان ۱۹۳

- تذکار در مخالفت امرای خراسان و نفاق آرای آنان در انهدام نواب محمدولی میرزا ۱۹۴
- بیان عزیمت خوش بیلاق و حدود خراسان ۱۹۶
- وقوع طغیان محمدزمان خان ۱۹۶
- بیان حرکت اسمعیل خان سردار با کامران میرزای افغان ۱۹۷
- بیان ورود محمدرحیم خان والی ولایت اورگنج به سرحدات خراسان و استرآباد ۱۹۷
- بیان عزیمت قم و کاشان ۱۹۸
- ذکر تعیین سرداران به خراسان ۱۹۸
- در واردات سال هزار و دویست و بیست و نه ۱۹۸
- ذکر غارت یموت و ترکمانان دشتی ۱۹۹
- بیان خرم نشان سال یک هزار و دویست و سی ۲۰۰
- در کیفیت احوال راقم و مأمور شدن به عراق ۲۰۱
- بیان حرکت پادشاهی به خوش بیلاق ۲۰۳
- بیان احوالات سال هزار و دویست و سی و یک ۲۰۳
- بیان احوال و اوضاع واردات سال یک هزار و دویست و سی و دو ۲۰۴
- تذکار در ایلغار نواب شاهزاده حسن علی میرزا والی ولایت خراسان ۲۰۵
- بیان آمدن میرزا ابوالحسن خان از دولت اروس ۲۰۵
- بیان عیش علیشاه و الله ویردی میرزا ۲۰۶
- بیان حرکت اردوی ظفر توأم به سلطانیه ۲۰۶
- کیفیت ایلچی روس ۲۰۶
- تذکار در تفرج مازندران ۲۰۷
- وقایع سال بهجت مآل هزار و دویست و سی و سه ۲۰۷
- حرکت اردوی همایون از چمن میدان جق [جوق] به ولایت خراسان و انهدام رحیم خان ۲۰۹
- احوال و واردات سال هزار و دویست و سی و چهار ۲۱۱
- ذکر فوت صدر در خراب قزوین ۲۱۱
- واردات صادرات روزگار خجسته و سال مبارک هزار و [دویست و] سی و پنج ۲۱۳
- گزارش اجتماع صوفیه به دور محمدرضا میرزا در گیلان ۲۱۳
- احوال خجسته فال و مآل سال یک هزار و دویست و سی و شش ۲۱۴
- اجمالی از فتوحات نواب مستطاب ولیعهد عباس میرزا ۲۱۵

۲۱۶.....	بیان فوت مرحوم شاهزاده محمدعلی میرزا
۲۱۹.....	وقایع سال هزار و دویست و سی و هفت
۲۱۹.....	تفصیل غزای نایب السلطنه با چوپان اوغلی
۲۲۰.....	عزیمت خاطر مبارک به طرف بغداد
۲۲۳.....	وقایع سال هزار و دویست و سی و هشت
۲۲۳.....	داستان منازعه مندلیج
۲۲۴.....	ذکر مأمور شدن نواب علینقی میرزا به خراسان
۲۲۴.....	بیان مرخصی جناب شیخ موسی
۲۲۵.....	بیان آمدن نجیب افندی
۲۲۵.....	در ذکر احوالات سال یک هزار و دویست و سی و نه هجری
۲۲۵.....	بیان فوت صدر
۲۲۷.....	بیان عزل نواب حجت السلطان علی نقی میرزا از ولایت خراسان
۲۲۸.....	ذکر اوضاع و احوال سال یک هزار و دویست و چهل
۲۲۹.....	وقوع شورش گیلانی
۲۲۹.....	آمدن رحمن قلی توره
۲۳۰.....	واقعات و وقایع سال یک هزار و دویست و چهل و یک
۲۳۰.....	بیان آمدن جناب آقا سید محمد
۲۳۰.....	بیان امورات لرستان و عربستان
۲۳۱.....	بیان عزیمت سفر پادشاهی به آذربایجان
۲۳۳.....	خبر وصول شجاع السلطنه به هرات
۲۳۵.....	بیان آمدن الله قلی توره
۲۳۶.....	احوال و وقایع سال یک هزار و دویست و چهل و دو
۲۳۷.....	بیان سفر صاحبقران به آذربایجان
۲۳۷.....	در بیان تصرف قلعه عباس آباد
۲۳۹.....	ذکر مجادله نایب السلطنه با روسیه
۲۴۰.....	بیان تسخیر قلعه سردارآباد و کیفیت آن
۲۴۱.....	وقوع تسخیر قلعه ایروان
۲۴۴.....	وقوع شورش یزدی به نواب محمد ولی میرزا

۲۴۵.....	در ورود بهار و تذکار احوالات سال فرخنده فال یک هزار و دویست و چهل و سه
۲۴۷.....	ذکر آمدن گربایدوف ایلچی به طهران و کشته شدن آن
۲۴۸.....	در تفصیلات وقایع سال یک هزار و دویست و چهل و چهار
۲۵۰.....	ذکری از ورود نواب خسرو میرزا
۲۵۰.....	گفتار در حرکت شهریاری به طرف فارس و خوزستان و لرستان و اکثر ولایات عراق
۲۵۶.....	وقایع و نگارش احوالات واردات سال یک هزار و دویست [و] چهل [و] پنج
۲۵۷.....	داستان آشوب و بروز فساد فیمابین صاحب اختیاران کرمانشاهان و لرستان و عربستان
۲۶۳.....	تذکار در امورات و انجام کارهای یزد و کرمان
۲۶۶.....	گفتار و وقایع سال یک هزار و دویست و چهل و شش
۲۶۹.....	گفتار واردات سال یک هزار و دویست و چهل و هشت
۲۷۰.....	بیان فتح قلعه امیرآباد
.....	تفصیل منازعه و جدال و اجرای مخاصمه و قتال نوابان حسام السلطنه محمدتقی میرزا و حشمت الدوله
۲۷۱.....	محمدحسین میرزا در لرستان و بروجرد
.....	بیان حرکت فرمانفرما به کرمان از فارس و کشته شدن ارغون میرزا فرزند حسن علی میرزای
۲۷۵.....	شجاع السلطنه
۲۷۶.....	بیان تسخیر قوچان
۲۷۸.....	گفتار در فتح ولایت سرخس
۲۸۰.....	بیان درآمدن سیف الدوله از اصفهان
۲۸۲.....	بیان تسخیر تربت و گرفتاری محمدخان قرانی
۲۸۴.....	بیان اوضاع امیرزادگان ظلّ السلطان و قهرمان میرزا و خسرو میرزا
۲۸۵.....	تفصیل تفویض ولایت کرمان به نواب شجاع السلطنه حسن علی میرزا
.....	در وصول سال خرم فال هزار و دویست و چهل و نه، نگارش عید فیروز نوروز و آرایش بزم تحویل
۲۸۶.....	حضرت صاحبقران دوست نواز دشمن سوز
۲۹۰.....	نتیجه
۲۹۱.....	فهرست منابع

فصل اول:

ادبیات تحقیق

۱- طرح مسأله:

تاریخ صاحبقرانی از جمله آثاری است که درباره اوایل دوره قاجاریه به رشته تحریر درآمده است و دربردارنده اطلاعات نسبتاً وسیعی در زمینه اوضاع داخلی آن عصر و نیز روابط خارجی با کشورهای چون فرانسه، انگلیس و روسیه می باشد. در بررسی این نسخه خطی، برآنیم تا با تصحیح، بازخوانی و بررسی انتقادی و تطبیقی متن با هدف روشن ساختن بخشی از تاریخ ایران به سوالاتی پاسخ داده شود. از جمله: آیا این منبع می تواند اطلاعات جدیدتری نسبت به متون هم عرض خود در این برهه از تاریخ ارائه دهد؟ مهمترین ویژگی این اثر نسبت به آثار هم عرض خود چیست؟ این اثر تا چه میزان توانسته زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی عصر خود را به تصویر بکشد؟

۱-۱- پیشینه و ضرورت پژوهش:

در ارتباط با اوایل دوره قاجاریه، تاکنون برخی از مهمترین نسخ خطی از جمله تاریخ نو تألیف جهانگیرمیرزا، مآثرسلطانیه تألیف عبدالرزاق بیک دنبلی و تاریخ ذوالقرنین تألیف میرزا فضل الله شیرازی تصحیح و به چاپ رسیده است. با این حال، هنوز وقایع بسیاری از تاریخ ایران در این برهه از زمان، از نظر ما پنهان مانده است. وجود نسخ خطی متعدد در کتابخانه های ایران و جهان، نشان می دهد که هنوز نسخه های خطی که بتواند نکات تاریک این بخش از تاریخ ایران را روشن سازد، وجود دارد. از این رو توجه به این نوع نسخ و احیای آن ضروری به نظر می رسد. از جمله این آثار، کتاب تاریخ صاحبقرانی، اثر محمود میرزا قاجار است که در ارتباط با اوایل دوره قاجاریه نگاشته شده است. با بررسی این کتاب، می توان به اطلاعات جامعی در خصوص اوضاع داخلی، اجتماعی، سیاسی و نظامی ایران و نیز چگونگی روابط خارجی با برخی کشورهای اروپایی دست یافت.

۱-۲- معرفی و نقد منابع و مآخذ:

در این نوشتار به منظور بازخوانی متن نسخه خطی تاریخ صاحبقرانی و پاسخگویی به سؤالات این پژوهش، از منابع و مآخذ متعددی استفاده شد که در پاورقی از آنها یاد شده است. همچنین به منظور تکمیل اطلاعات ارائه شده در نسخه، این منابع مورد بهره برداری قرار گرفت. اما برخی منابع مورد استفاده عبارتند از:

تاریخ ذوالقرنین در دو جلد، تألیف میرزا فضل الله شیرازی متخلص به خاوری. این کتاب به سبک سالنامه نگاشته شده و جلد اول آن تحت عنوان نامه خاقان، از ۱۲۱۲ق تا ۱۲۴۲ق شامل می شود. جلد دوم این کتاب نیز که رساله صاحبقران نامگذاری شده، در برگزیده حوادث مربوط به سال های ۱۲۴۲ق تا ۱۲۵۰ق است و نیز شامل بخشی از سال های سلطنت محمد شاه است.

خاوری این کتاب را کمی پس از فوت عبدالرزاق دنبلی، نویسنده مآثرسلطانیه نگاشته و از این کتاب بهره زیادی برده است. خاوری در بیان حوادث هر سال، که با آغاز سال جدید شروع می شود، بهاریه ای نیز می آورد. نثر تاریخ ذوالقرنین تقریباً روان و سلیس است و بی تکلف تر از ناسخ التواریخ به رشته تحریر درآمده است.

این کتاب به دلیل همزمان بودن نگارنده با حوادث روی داده در آن دوران، از اهمیت زیادی برخوردار است و میرزا فضل الله، خود سال ها در زندان شاهزاده محمود میرزا محبوس بود که گریخته و به فتحعلی شاه پناهنده می شود.

مآثرسلطانیه تألیف عبدالرزاق بیک دنبلی نیز از دیگر منابع مورد استفاده است. پدر عبدالرزاق، نجفقلی خان دنبلی، از خانان بزرگ و پرنفوذ آذربایجان بود که در زمان حکومت کریمخان از طرف وی به حکومت آذربایجان منصوب شد و در این زمان عبدالرزاق ده ساله بود که به عنوان گروگان به شیراز روانه شد. وی در مدت چهارده سال که در شیراز اقامت داشت به تحصیل پرداخت. با مرگ کریمخان، عبدالرزاق به آذربایجان برگشت و در خدمت سلاطین قاجار درآمد و به دلیل معلومات وسیعی که داشت به زودی مورد توجه میرزا ابوالقاسم قائم مقام قرار گرفت.

کتاب مآثرسلطانیه به سبک سالنامه به رشته تحریر درآمده و اطلاعات صریح و مفصّلی از جنگ های اول ایران و روسیه تا معاهده گلستان ارائه می دهد. از آنجا که عبدالرزاق دنبلی متخلص به مفتون، از شاعران و مورخان دوره فتحعلی شاه است، اطلاعات بلاواسطه از تاریخ آن دوره در اختیار ما قرار می دهد.

این اثر وقایع و رخداد‌های مهم دوران فتحعلی شاه را تا ابتدای سال ۱۲۴۱ق به رشته تحریر درآورده است. وی حوادث را به صورت کلی و خلاصه، اما با دقت آورده و برخی اوقات، گاهشماری خورشیدی و قمری را با هم تلفیق کرده و این موجب شده تا برخی حوادث قمری را ذیل سال جدید خورشیدی بیان کند. اما این موضوع از ارزش و اعتبار تاریخی اثر نمی‌کاهد. اگرچه عبدالرزاق به دلیل احاطه بر ادب فارسی و عرب، نثری متکلفانه داشت، ولی در نگارش مآثرسلطانیه از شیوه متعارف عصر خود استفاده کرده است و سبک وی در این اثر ادیبانه و پخته است. این کتاب پس از پایان تألیف مورد توجه قرار گرفت و در همان زمان در چاپخانه دارالسلطنه تبریز به چاپ رسید. سرهارفوردجونز نیز آن را به انگلیسی ترجمه کرد.

دنبلی در سال ۱۲۴۲ق پس از بازگشت از سفر حج، درگذشت و تاریخ وی ناتمام ماند. از این نویسنده آثار دیگری نیز به جای مانده است. از جمله می‌توان به الشعر والشعرا، حدایق الادبا، حدایق الجنان، حقایق الانوار، نگارستان دارا و مثنوی ناز و نیاز اشاره کرد. این کتاب را به سال ۱۳۵۱ ش، حسین صدیقی افشار در تهران به چاپ رسانده است. در سال‌های اخیر نیز دو چاپ از این اثر به بازار کتاب عرضه شده است. اولی به تصحیح فیروز منصوری که در سال ۱۳۸۳ ش از طرف انتشارات اطلاعات چاپ گردیده و دومی با تصحیح انتقادی غلام حسین زرگری نژاد که توسط انتشارات روزنامه ایران در همان سال چاپ و منتشر شده است.^۱

ناسخ التواریخ، تاریخ قاجاریه، تألیف میرزا محمدتقی لسان الملک، متخلص به سپهر، فرزند میرزا محمد علی.

سپهر در سال ۱۲۱۶ق در شهر کاشان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در کاشان گذرانید و سپس به خدمت ملک الشعرا صبا درآمد و دختر وی را به زنی گرفت و مدتی نیز در خدمت پدرزن خود بود. پس از درگذشت ملک الشعرا به اتفاق برادرزن خود، محمد حسین خان عندلیب به تهران آمد. پس از مدتی به دلیل برهم خوردن میانه اش با عندلیب، به کاشان رفت و در دستگاه شاهزاده محمود میرزا، حاکم نهاوند مشغول کار شد. سپهر تا سال ۱۲۴۵ق در خدمت محمود میرزا بود. پس از آن که بین محمود میرزا و برادرش محمدتقی میرزا اختلاف روی داد، سپهر به تهران برگشت و در سال ۱۲۵۰ق به همراه فتحعلی شاه به

۱- نصیری، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳

فارس رفت. پس از درگذشت فتحعلی شاه دوباره به کاشان بازگشت. سپهر در زمان محمد شاه به تهران آمد و شغل استیفا را برعهده گرفت و تا مرگ محمدشاه (۱۲۶۴ق) در همین شغل بود. اما با جلوس ناصرالدین شاه بر تخت سلطنت، مأمور کاشان شد و تا سال ۱۲۶۷ق در آنجا ماند. سپس به تهران بازگشت و در سال ۱۲۷۲ق لقب لسان الملک گرفت و سرانجام در ۱۲۹۷ق در تهران درگذشت.

ناسخ التواریخ کتابی است در تاریخ عمومی عالم در ۹ جلد که سپهر در سال ۱۲۵۸ق به دستور محمدشاه مأمور تألیف آن شد و در سال ۱۲۷۴ق به پایان رسانید. بخش تاریخ قاجاریه کتاب مستقلی است که از تأسیس حکومت قاجار تا وقایع ده سال سلطنت ناصرالدین شاه را دربرمی گیرد.^۱

این نویسنده در آن عصر می زیسته و شاهد رخدادهای عصر خود بوده است و از این نظر دارای اهمیت شایانی است. جلد اول این کتاب که از آن بهره برده شد، دربر دارنده حوادث مربوط به آغاز تا پایان سلطنت فتحعلی شاه است که به صورت سالنامه به نگارش درآمده است. این اثر به نثر مسجع و قرینه نوشته شده است و برخی اوقات دارای تکلف است. نویسنده کتاب که از ادبا و شاعران آن دوره به شمار می رود، این اثر را با قلمی شیوا و فصیح به رشته تحریر درآورده است.

نخستین بار بخش قاجار ناسخ التواریخ به تصحیح جهانگیر قائم مقامی در سال ۱۳۳۷ش توسط انتشارات امیرکبیر چاپ و منتشر شد. محمدباقر بهبودی نیز در سال ۱۳۴۴ش این اثر را تصحیح و در سلسله انتشارات اسلامیه منتشر کرد. آخرین تصحیح از ناسخ التواریخ به اهتمام جمشید کیانفر انجام یافته که در سال ۱۳۷۷ش توسط انتشارات اساطیر به چاپ رسیده است.^۲

تاریخ روضه الصفاى ناصرى، تألیف رضاقلی خان متخلص به هدایت است که در واقع ادامه تاریخ روضه الصفاى میرخواند است که شامل حوادث مربوط به دوره های پادشاهی صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه است. این کتاب نیز به شکل سالنامه نگاشته شده و رخدادهای مربوط به هر سال، با عنوان جداگانه ای مشخص شده است. هدایت در نگارش این کتاب، بطور مکرر از اشعار شاعران متعدد بهره برده و به مناسبت های مربوط، ابیات را بکار می

۱ - همان، ص ۱۹۰

۲ - همان، ص ۱۹۰

برد. قلم هدایت در این کتاب، سلاست و روانی لازم را ندارد و از عبارات مطمئن و مسجع استفاده می کند که خواندن آن را با کندی مواجه می سازد.

تاریخ عضدی تألیف میرزا احمدخان عضدالدوله نیز در معرفی برخی از افراد نامبرده شده در نسخه، مورد استفاده قرار گرفت. این کتاب در باره سه پادشاه نخستین سلسله قاجار، یعنی آغامحمدخان، فتحعلی شاه و محمد شاه است. ارزش و اعتبار تاریخ عضدی از آنجا معلوم می شود که شاهزاده احمدمیرزای عضدالدوله، پسر فتحعلی شاه بوده و هنگام فوت این پادشاه، ده ساله بود. لذا مطالبی که بیان می کند، خود دیده و آنچه را که از دیگری نقل قول می کند، نام گوینده را نیز می آورد و این اعتبار و مستند بودن مطالب کتاب را دو چندان می کند. این کتاب به خواهش محمدحسن خان اعتمادالدوله در سال ۱۳۰۴ق به رشته تحریر درآمده است؛ آن هنگام که مولف حکومت زنجان را عهده دار بود.

احمدمیرزا این کتاب را بیطرفانه نگاشته است و حتی در برخی موارد می توان به نیت درونی، خوشگذرانی ها و دنائت فتحعلی شاه و درباریان از لابه لای مطالب پی برد. وی بیشتر به زندگی خصوصی و اوضاع و احوال درباریان و حرمسرایان پرداخته است و از این نظر دارای اهمیت است که بخشی از اوضاع حیات دربار و حرمسرا را باز می گوید و در تدقیق در شناسایی افراد و رجال آن دوره اثری با ارزش به شمار می رود. اگرچه رعایت بیطرفی و عدم جانبداری و ذکر حقایق و بعضی از قضایا که چیزی جز بدنامی برای خانواده اش در پی نداشته، ولی بر ارزش اثر افزوده است. نثر کتاب نه متکلف است و نه ساده و عوامانه، بلکه نثری است ادیبانه که مؤلف در لابه لای مطالب تاریخی از شعر و آیه و حدیث نیز بهره برده است. این اثر در شعبان ۱۳۰۶ق با حمایت حاجی محمدکریم شیرازی معروف به نمازی و ظاهرا با حمایت آقاخان(سوم) در بمبئی به صورت چاپ سنگی انتشار یافت. سپس حسین کوهی کرمانی در سال ۱۳۲۸ش آن را در ۱۲۸ صفحه با چاپ سربی تجدید چاپ کرد. بعد عبدالحسین نوایی در سال ۱۳۵۵ش از روی چاپ سنگی کتاب را تصحیح و همراه با تعلیقات سودمندی در سلسله انتشارات بابک به چاپ رساند. وی جدولی از نامهای پسران و دختران فتحعلی شاه را برحسب سال تولد و نام زنان وی را برحسب حروف الفبا آورد. فهرستی نیز از لغات و اصطلاحات سیاسی، اداری و اجتماعی به آن افزود و در سال ۱۳۷۶ش از طرف نشر علم، این اثر را تجدید چاپ کرده است.^۱

فارسنامه ناصری تألیف حاج میرزا حسن حسینی فسائی نیز دربردارنده اطلاعات بسیار درباره تاریخ، جغرافیا و رجال سرزمین فارس است که با قلمی شیوا و فصیح وقایع کلی و جزئی که مربوط به این بخش از ایران است را بیان می کند. البته شایان ذکر است که آنچه که امروزه از مرز جغرافیایی فارس می دانیم، با آنچه که در آن دوره بوده، بسیار تفاوت دارد و وسیع تر از حدود جغرافیایی امروز بوده است. سرزمین فارس در آن دوره، قسمت هایی از سواحل و بنادر خلیج فارس، خوزستان و حتی کرمان امروزی را دربرمی گرفت.

این کتاب به صورت سالشمار نگاشته شده و نثر آن نیز روان و ساده است.

از کتاب صدرالتواریخ، تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه نیز بهره بردم. این کتاب به بیان شرح حال صدراعظم های پادشاهان قاجار (از حاج ابراهیم کلانتر تا میرزا علی اصغر خان امین السلطان) پرداخته است. اعتمادالسلطنه مردی ادیب و دانشمند و تحصیلکرده فرانسه بود و بادانش و فرهنگ و تمدن غرب آشنایی داشت. در مقام وزیر دارالتألیف و دارالترجمه و دارالطباعة دوره ناصری به تألیف و ترجمه کتاب های مفید همت گماشت و آثار زیادی از خود به جا گذاشت؛ که از جمله می توان به خلسه، روزنامه خاطرات، المآثر و الآثار، منتظم ناصری، مطلع الشمس و جغرافیای طالقان اشاره کرد. صدرالتواریخ به اهتمام محمدمشیری در سال ۱۳۴۹ش، توسط سازمان انتشارات وحید به چاپ رسید.

کتاب مرآه البلدان یا مرآت ناصری، تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه نیز برای شناسایی جغرافیایی و نیز تاریخی برخی مناطق مورد استفاده قرار گرفت که دارای اطلاعات ذی قیمتی درباره بخشی از تاریخ روزگار قاجار است و با نثر روان و سلیس به رشته تحریر درآمده است.

مرآه البلدان مشتمل بر چهار جلد است که مولف آن را براساس مآخذ مختلف تألیف کرد؛ اما به پایان نرساند. در این اثر اطلاعات گوناگون تاریخی و جغرافیایی و باستان شناسی آمده و کتاب به صورت الفبایی تنظیم شده است. این اثر را عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث تصحیح و در سال ۱۳۶۷ش از سوی انتشارات دانشگاه تهران چاپ و منتشر کرده اند^۱

روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس نیز که وقایع قسمت های جنوبی ایران، از سال ۱۱۴۲ق تا ۱۱۹۹ق را شامل می شود، در مواردی مورد استفاده قرار گرفت. این کتاب از نظر ادبی و نگارش، فاقد فصاحت و بلاغت است و از این رو ارزش ادبی چندانی ندارد. مؤلف حتی در